

سه عنصر اصلی عاشورا

منطق

حساسه

عاطفه

به همراه گفتاری در باب تبلیغ

در بیان امام خامنه ای (مدظله)

سید علی حسینی



## شناسنامه



- موضوع : دغدغه های امام خامنه ای در باب عزاداری و تبلیغ
- بیانات : مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون و مبلغان
- تاریخ : ۵ بهمن ۸۴
- جزوات مرتبط : عبرت های عاشورایی + تبلیغ باید جریان ساز باشد + عوام و خواص + استفتائات عزاداری + هیئت در بیان رهبری
- کانال تلگرام مرکز جزوه:

[Telegram.me/markazejzveh](https://t.me/markazejzveh)

- دریافت دیگر جزوات و ارائه ی نظرات :

[Markazejzveh.ir](http://Markazejzveh.ir)

جهت اطلاع از تولید دیگر جزوات کد این جزوه به همراه نام شهر خود را به سامانه پیامکی مرکز ارسال نمایید :

50001333331388

کد این جزوه : ۳۰۶

مرکز تولید و توزیع جزوات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

## فهرست

بخش دوم: درباب تبلیغ

بخش اول: درباب عاشورا

- |                                      |                                       |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| سه عنصر در حرکت امام حسین (ع)..... ۳ | تبلیغ، رساندن به دل است..... ۵        |
| عنصر منطق و عقل..... ۳               | سیاست جزیی از دین..... ۶              |
| الگو گیری امام (ع) از عاشورا..... ۴  | رفتار ما تاثیر گذار ترین تبلیغ..... ۶ |
| عنصر حماسه..... ۴                    | تبلیغ هنرمندانه..... ۷                |
| عنصر عاطفه..... ۵                    | خوف و رجا ، اما خوف بیشتر..... ۷      |

## بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نزدیکی ماه محرم و ایام پُرحماسه و پُر تپش عاشورا، این فرصت را به این بنده‌ی حقیر داده است که در خدمت شما عزیزان - جمعی از فضلا، گویندگان، واعظان و بیدارکنندگان دل‌ها و مغزها و فکرها - باشم. از این که زحمت کشیدید تشریف آوردید، تشکر می‌کنم؛ بخصوص عزیزانی که از قم تشریف آوردند. یک جمله در باب عاشورا و یک جمله هم در باب تبلیغ عرض کنیم:

## بخش اول: در باب عاشورا

### سه عنصر در حرکت امام حسین (ع)

حضور در مدینه تا روز شهادت. جمله، جمله‌ی این بیانات نورانی، بیان‌کننده‌ی یک منطق مستحکم است. خلاصه‌ی این منطق هم این است که وقتی شرایط وجود داشت و متناسب بود، وظیفه‌ی مسلمان، "اقدام" است؛ این اقدام خطر داشته باشد در عالی‌ترین مراحل، یا نداشته باشد. خطر بالاترین، آن است که انسان جان خود و عزیزان و نوامیس نزدیک خود - همسر، خواهر، فرزندان و دختران - را در طبق اخلاص بگذارد و به میدان برود و در معرض اسارت قرار دهد.

اینها چیزهایی است که از بس تکرار شده، برای ما عادی شده، در حالی که هر یک از این کلمات، تکان دهنده است. بنابراین، حتی اگر خطر در این حد هم وجود داشته باشد، وقتی شرایط برای اقدام متناسب با این خطر وجود دارد، انسان باید اقدام کند و دنیا نباید جلوی انسان را بگیرد؛ ملاحظه کاری و

در باب عاشورا آنچه که عرض می‌کنم - البته یک سطر از یک کتاب قطور است - این است که عاشورا یک حادثه‌ی تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) با این حرکت - که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی کاملاً روشنی بود - یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت. این سرمشق فقط شهید شدن هم نیست؛ یک چیز مرکب و پیچیده و بسیار عمیق است. سه عنصر در حرکت

حضرت ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت، و عنصر عاطفه.

### عنصر منطق و عقل

عنصر منطق و عقل در این حرکت، در بیانات آن بزرگوار متجلی است؛ قبل از شروع این حرکت، از هنگام

**وقتی اساس دین در خطر است، اگر شما در مقابل این حادثه‌ی فزیح، با قول و فعل وارد نشوید، حق علی‌الله است که انسان بی‌مسئولیت و بی‌تعهد را با همان وضعیتی که آن مستکبر و آن ظالم را با آن روبه‌رو می‌کند، مواجه کند.**

و آن حادثه‌ی عظیم پانزده خرداد به وجود آمد. در محرم سال ۱۳۵۷ هم امام عزیز ما باز از همین حادثه الهام گرفت و گفت: "خون بر شمشیر پیروز است" و آن حادثه‌ی تاریخی بی‌نظیر - یعنی انقلاب اسلامی - پدید آمد. این، مال زمان خود ماست؛ جلوی چشم خود ماست؛ ولی در طول تاریخ هم این پرچم برای ملت‌ها پرچم فتح و ظفر بوده است و در آینده هم باید همین‌طور باشد و همین‌طور خواهد بود. این بخش "منطق"، که عقلانی است و استدلال در آن هست. بنابراین، صرف یک نگاه عاطفی، حرکت امام حسین را تفسیر نمی‌کند و بر تحلیل جوانب این مسأله قادر نیست.

### عصر حماسه

عصر دوم، حماسه است؛ یعنی این مجاهدتی که باید انجام بگیرد، باید با عزت اسلامی انجام بگیرد؛ چون "العزَّة لله و لرسوله و للمؤمنین". مسلمان در راه همین حرکت و این مجاهدت هم، بایستی از عزت خود و اسلام حفاظت کند. در اوج مظلومیت، چهره را که نگاه می‌کنی، یک

چهره‌ی حماسی و عزتمند است. اگر به مبارزات سیاسی، نظامی گوناگون تاریخ معاصر خودمان نگاه کنید، حتی آنهایی که تفنگ گرفته‌اند و به جنگ رویاروی جسمی اقدام کرده‌اند، می‌بینید که گاهی اوقات خودشان را ذلیل کردند! اما در منطق عاشورا، این مسأله وجود ندارد؛ همان جایی هم که حسین بن علی یک شب را مهلت می‌گیرد، عزتمندانه مهلت می‌گیرد؛ همان جایی هم که می‌گوید: "هل من ناصر" - استنصار می‌کند - از موضع عزت و اقتدار است؛ آن جایی که در بین راه مدینه تا کوفه با آدم‌های گوناگون برخورد می‌کند و با آنها حرف می‌زند و از بعضی از آنها یاری می‌گیرد، از موضع ضعف و ناتوانی نیست؛ این هم یک عنصر برجسته‌ی دیگر است. این عنصر در همه‌ی مجاهداتی که رهروان عاشورا، در برنامه‌ی خود می‌گنجانند، باید دیده شود. همه‌ی اقدام‌های مجاهدت‌آمیز - چه سیاسی، چه تبلیغی، چه آن جایی که جای فداکاری جانی است - باید از موضع عزت

محافظه‌کاری نباید مانع انسان شود؛ لذت و راحت و عافیت جسمانی نباید مانع راه انسان شود؛ انسان باید حرکت کند. اگر حرکت نکرد، ارکان ایمان و اسلام او بر جا نیست. "ان رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلاً لحرم الله و لم یغیر علیه بفعل و لا قول كان حقاً علی الله ان یدخله مدخله؛" منطقی، این است. وقتی اساس دین در خطر است، اگر شما در مقابل این حادثه‌ی فزیز، با قول و فعل وارد نشوید، حق علی الله است که انسان بی‌مسئولیت و بی‌تهد را با همان وضعیتی که آن طرف مقابل - آن مستکبر و آن ظالم - را با آن روبه‌رو می‌کند، مواجه کند.

**در روز عاشورا در مدرسه‌ی فیضیه، چهره‌ی امام خمینی (ره) را نگاه کنید: یک روحانی‌ای که نه سرباز مسلح دارد و نه یک فشنگ، آن چنان با عزت حرف می‌زند که سنگینی عزت او، زانوی دشمن را خم می‌کند.**

حسین بن علی (علیه السلام) در خلال بیانات گوناگون - در مکه و مدینه و در بخش‌های مختلف راه، و در وصیت به محمد بن حنفیه این وظیفه را تبیین کرده و آن را بیان فرموده است. حسین بن علی (علیه السلام) عاقبت این کار را می‌دانست؛ نباید تصور کرد که حضرت برای رسیدن به قدرت - که البته هدف آن قدرت، مقدس است - چشمش را بست و برای

آن قدرت حرکت کرد؛ نه، هیچ لزومی ندارد که یک نگاه روشنفکرانه ما را به این‌جا بکشاند. نخیر، عاقبت این راه هم بر حسب محاسبات دقیق برای امام حسین (علیه السلام) با روشن بینی امامت قابل حدس و واضح بود؛ اما "مسأله" آن قدر اهمیت دارد که وقتی شخصی با نفاست جان حسین بن علی (علیه السلام) در مقابل این مسأله قرار می‌گیرد، باید جان خود را در طبق اخلاص بگذارد و به میدان ببرد؛ این برای مسلمان‌ها تا روز قیامت درس است و این درس عمل هم شده است و فقط این‌طور نبوده که درسی برای سرمشق دادن روی تخته‌ی سیاه بنویسند، که بعد هم پاک بشود؛ نه، این با رنگ الهی در پیشانی تاریخ اسلام ثبت شد و ندا داد و پاسخ گرفت، تا امروز.

### الگو گیری امام (ره) از عاشورا

در محرم سال ۴۲، امام بزرگوار ما از این ممشاء استفاده کرد

# بخش دوم: درباب تبلیغ

ما مبلغان، زیر نام حسین بن علی تبلیغ می‌کنیم. این فرصت بزرگ را یاد این بزرگوار به مبلغان دین بخشیده است، که بتوانند تبلیغ دین را در سطوح مختلف انجام بدهند. هر یک از آن سه عنصر باید در تبلیغ ما نقش داشته باشد؛ هم صرف پرداختن به عاطفه و فراموش کردن جنبه‌ی منطقی و عقل که در ماجرای حسین بن علی (علیه‌السلام) نهفته است، کوچک کردن حادثه است، هم فراموش کردن جنبه‌ی حماسه و عزت، ناقص کردن این حادثه‌ی عظیم و شکستن یک جواهر گرانبه‌است؛ این مسأله را باید همه - روضه‌خوان، منبری و مداح - مراقب باشیم.

## تبلیغ، رساندن به دل است

تبلیغ یعنی چه؟ تبلیغ یعنی رساندن؛ باید برسانید. به کجا؟ به گوش؛ نه؛ به دل. بعضی از تبلیغ‌های ما حتی به گوش هم درست نمی‌رسد! گوش هم حتی آن را تحمل و منتقل نمی‌کند! گوش که گرفت، می‌دهد به مغز؛ قضیه این‌جا نباید تمام بشود، بلکه باید بیاید در دل نفوذ و رسوخ کند و به هویت ما هویت مستمع - تبدیل شود. تبلیغ برای این است. ما تبلیغ نمی‌کنیم فقط برای این که چیزی گفته باشیم؛ ما تبلیغ می‌کنیم برای این که آنچه را که موضوع تبلیغ است، در دل مخاطب وارد شود و نفوذ کند. آن چیست؟ آن، همه‌ی آن چیزهایی است که در اسلام به عنوان ارزش، مورد حمایت جان و حرم و ناموس حضرت ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) قرار گرفت، که همه‌ی پیغمبران و اولیای الهی دیگر و وجود مقدس رسول‌الله هم همین‌طور عمل کردند، که البته مظهرش حسین بن علی (علیه‌السلام) است. ما می‌خواهیم منطق دین، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و همه‌ی چیزهایی را که در بنای یک شخصیت انسانی بر مبنای دین تأثیر دارد،

باشد. در روز عاشورا در مدرسه‌ی فیضیه، چهره‌ی امام را نگاه کنید: یک روحانی‌ای که نه سرباز مسلح دارد و نه یک فشنگ در همه‌ی موجودی خود دارد، آن چنان با عزت حرف می‌زند که سنگینی عزت او، زانوی دشمن را خم می‌کند؛ این موضع عزت است. امام در همه‌ی احوال همین‌طور بود؛ تنها، بی‌کس، بدون عده و عُدّه، اما عزیز؛ این چهره‌ی امام بزرگوار ما بود. خدا را شکر کنیم که ما در زمانی قرار گرفتیم که یک نمونه‌ی عینی از آنچه را که بارها و سال‌ها گفته ایم و خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، جلوی چشم ما قرار داد و به چشم خودمان او را دیدیم؛ و او، امام بزرگوار ما بود.

## عنصر عاطفه

عنصر سوم، عاطفه است؛ یعنی هم در خود حادثه و هم در ادامه و استمرار حادثه، عاطفه یک نقش تعیین‌کننده‌ای ایجاد کرده است، که باعث شد مرزی بین جریان عاشورایی و جریان شیعی با جریان‌های دیگر پیدا شود. حادثه‌ی عاشورا، خشک و صرفاً استدلالی نیست، بلکه در آن عاطفه با عشق

و محبت و ترحم و گریه همراه است. قدرت عاطفه، قدرت عظیمی است؛ لذا ما را امر می‌کنند به گریستن، گریاندن و حادثه را تشریح کردن. زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) در کوفه و شام منطقی حرف می‌زند، اما مرثیه می‌خواند؛ امام سجاد بر روی منبر شام، با آن عزت و صلابت بر فرق حکومت اموی می‌کوبد، اما مرثیه می‌خواند. این مرثیه‌خوانی تا امروز ادامه دارد و باید تا ابد ادامه داشته باشد، تا عواطف متوجه بشود. در فضای عاطفی و در فضای عشق و محبت است که می‌توان خیلی از حقایق را فهمید، که در خارج از این فضاها نمی‌توان فهمید. این سه عنصر، سه عنصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی حرکت عاشورایی حسین بن علی (ارواح‌نفاذ) است که یک کتاب حرف است و گوشه‌ای از مسائل عاشورای حسینی است؛ اما همین یک گوشه برای ما درس‌های فراوانی دارد.

## هر یک از آن سه عنصر

### باید در تبلیغ ما نقش

### داشته باشد؛ هم صرف

### پرداختن به عاطفه و

### فراموش کردن جنبه‌ی

### منطق کوچک کردن حادثه

### است، هم فراموش کردن

### جنبه‌ی حماسه و عزت،

### ناقص کردن این حادثه...

بر مخاطب بگذاریم، و آلا نمی‌شود. در آن سرمایه‌ی درونی، باید عنصر فکر و منطق باشد؛ باید به فکر و منطق درست مجهز شویم، تا حرف سست زده نشود. آنهایی که گفته‌اند یکی از مؤثرترین حمله‌ها، دفاع‌های ناقص و بد است، حرف کاملاً درستی زده‌اند. وقتی دفاع از دین، ضعیف و سست و بد باشد، تأثیرش از حمله‌ی به دین، بیشتر است؛ باید از این، به خدا پناه ببریم. مبدا در حرف و منبر و تبلیغ ما - آنچه به عنوان تبلیغ داریم انجام می‌دهیم - حرف سست، بی‌منطق و ثابت نشده‌ای وجود داشته باشد. گاهی بعضی از چیزهایی که در کتابی هست و سند ندارد، خود، یک حکمت و مسأله‌ی اخلاقی است، که دیگر سند

نمی‌خواهد و می‌توانیم آن را بیان کنیم؛ این، عیبی ندارد؛ اما یک وقت هست که یک چیزی دور از ذهن مخاطب است، که باورش برای او مشکل است؛ این را نباید بگوییم؛ چون این مسأله، او را از اصل قضیه دور می‌کند و موجب موهون شدن دین و مبلغ دین در ذهن و دل او می‌شود و خیال می‌کند این، از منطق عاری است؛

در حالی که پایه‌ی کار ما منطق است. بنابراین، منطق، عنصر اصلی در تبلیغ ماست.

## رفتار ما تاثیر گذار ترین تبلیغ

بعد از این، نوبت به چگونه عمل کردن ما می‌رسد. ما در فلان شهر یا روستا برای تبلیغ وارد می‌شویم؛ رفتار، نشست و برخاست، معاشرت، نگاه و عبادت ما، دلبستگی یا دل‌بسته نبودن ما به نعمات دنیوی و خورد و خواب ما، رساترین تبلیغ یا ضدتبلیغ است؛ درست باشد، تبلیغ است؛ غلط باشد، ضدتبلیغ است. ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می‌توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ در حالی که از مذمت شهوات دنیوی حرف می‌زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می‌کنیم؛ از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده‌خواهی‌های دنیوی حرف بزنیم؛

تبلیغ کنیم؛ برای این که مخاطب ما به همین شخصیت دینی تبدیل شود.

از جمله‌ی این کارها، بنای حکومت اسلامی است. این را من عرض بکنم که تشکیل حکومت اسلامی، یکی از معجزه‌گون‌ترین کارهاست، اما این مسأله نباید تشکیل هویت انسانی افراد را - فرد فرد انسان‌هایی را که ما با آنها سر و کار داریم - از یاد ما ببرد. این، خیلی مهم است. نبی مکرم اسلام انسان‌ها را اول ساخت؛ اول این پایه‌ها را تراشید، تا توانست این بنا را بر روی دوش آنها قرار دهد. در تمام مدت آن ده سال - که بیش از صد سال کار در این ده سال متراکم شده است - پیغمبر در همه جا؛ در

بحبوحه‌ی جنگ، در هنگام ساختن، // در هنگام عبادت کردن، در هنگام گفتگو کردن با مردم، بنای هویت انسان‌های مخاطب خودش را فراموش نکرد؛ پیغمبر در غوغای جنگ‌های خطرناک مثل احزاب، بدر و احد هم انسان‌سازی می‌کرد. آیات قرآن را ملاحظه کنید! "انسان‌سازی" هدف این تبلیغ است و این، یکی از بزرگترین کارهاست.

## سیاست جزئی از دین

از دو طرف نباید لطمه بخوریم؛ نه ما باید مسائل سیاسی را بکلی از حیطة‌ی حرف و گفت و تلاش و مجاهدت تبلیغی خودمان خارج کنیم؛ آن چنان که دشمنان روی آن ده‌ها سال سرمایه‌گذاری کردند، ولی نهضت اسلامی آمد و این سرمایه‌گذاری را آتش زد و از بین برد و گفتار و اندیشه‌ی سیاسی را وارد متن فعالیت‌های دینی کرد، و نه از این طرف باید بیفتیم که تصور کنیم همه‌ی منبر، همه‌ی تبلیغ، همه‌ی مخاطبه‌ی با مردم و با مؤمنین، یعنی این که بنشینیم مسائل امریکا و اسرائیل و مسائل سیاسی را تحلیل کنیم؛ نخیر، یک کار واجب‌تر اگر نباشد، واجب دیگری وجود دارد و آن، دل مخاطب شماسست. دل و جان و فکر او را بایستی تعمیر و آباد و سیراب کنیم. البته این به یک منبع درونی احتیاج دارد. ماها باید یک چیزی در خودمان داشته باشیم تا بتوانیم این تأثیر را

شخصی عرض می‌کند: یا رسول الله! خداوند فرمود: "لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر". این گریه برای چیست؟ عرض می‌کند: "اولاً اکون عبداً شاکراً؛ یعنی اگر شکر آن مغفرت را نکنم، پایه‌ی آن مغفرت سُست خواهد شد. در همه حال، انذار باید بر دل ما و مستمعان ما حاکم باشد. راه، راه دشواری است؛ بشر بایست خود را برای پیمودن این راه و رسیدن به آن سرمنزله آماده کند.

کار تبلیغ، کار بسیار بزرگ، حساس و مؤثری است. امروز برکات تبلیغ‌های گذشته را مشاهده می‌کنیم و فردا برکات تبلیغ امروز شما را ان‌شاءالله جامعه مشاهده خواهد کرد. تأثیرات تبلیغ، دفعی و آنی نیست؛

طولانی مدت است. مبلغ دین اگر ظواهری را مشاهده می‌کند که به گمان او ظواهر غیر دینی است، مایوس نشود. این توهمات که بعضی شایع می‌کنند که جوان‌ها از دین برگشته‌اند، همه را جنگ روانی بدانید، که واقع قضیه هم همین است. این طور نیست؛ جوان‌های ما دل را به طرف دین دارند و تشنه‌ی حقایق دینند و

دل‌هاشان تشنه است. هر جوان سالم‌الفطره و سالم‌الطبیعه ای این طور است؛ مخصوص این‌جا هم نیست. این‌جا بحمدالله زمینه هم آماده است؛ تشنه‌اند و مشتاق؛ باید کام‌جان آنها را سیراب و با حقایق دینی شیرین کرد؛ این نتیجه‌اش را خواهد بخشید و فردای جامعه‌ی ما از این موهبت‌ها بهره‌مند خواهد شد.

از خدای متعال مسألت می‌کنیم که همه‌ی ما و شما را هم قدردان تبلیغ دین، ارزش‌های الهی و این صراط مستقیمی که انقلاب در مقابل ما باز کرده است، قرار بدهد و هم ان‌شاءالله ما را موفق بدارد که بتوانیم به این وظایف سنگین عمل کنیم.

والسلام علیکم و رحمۃالله و برکاته  
۱۳۸۴/۱۱/۰۵

اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی‌کند، یا اثر زودگذر می‌کند، یا اثری می‌کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضداتر تبدیل می‌شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.

## تبلیغ هنرمندانه

عنصر سوم، هنرمندی در نحوه‌ی بیان است. من به منبر خیلی عقیده دارم. امروز اینترنت، ماهواره، تلویزیون و ابزارهای گوناگون ارتباطی فراوان هست، اما هیچ کدام از اینها منبر نیست؛ منبر یعنی روبه رو و نفس‌به‌نفس حرف زدن؛ این یک تأثیر مشخص و ممتازی دارد که در هیچ کدام از شیوه‌های دیگر، این تأثیر وجود ندارد. این را باید نگه داشت؛ چیز بالارزشی است؛ منتها بایستی آن را هنرمندانه ادا کرد تا بتواند اثر ببخشد.

**من به منبر خیلی عقیده دارم. امروز اینترنت، ماهواره، تلویزیون و ابزارهای گوناگون ارتباطی فراوان هست، اما هیچ کدام از اینها منبر نیست؛ منبر یعنی روبه‌رو و نفس‌به‌نفس حرف زدن.**

## خوف و رجا و خوف بیشتر

یک نکته در همین زمینه‌ی تبلیغ عرض بکنم: در دعای صحیفه‌ی سجاده‌ی یک جا حضرت سجاد (علیه السلام) از طرف خودش به خداوند متعال عرض می‌کند که: "تفعل ذلک یا الهی بمن خوفه اکثر من رجائه لا ان یکون خوفه قنوطاً؛ من خوفم از رجایم بیشتر است، نه این که مایوس باشم. این، یک اعلان رسمی و دستورالعمل است. خوف را همراه رجاء حتماً به دل‌ها بدمید؛ و خوف را بیشتر. این که ما آیات رحمت الهی را بخوانیم - که بعضی از این آیات و مبشرات، مخصوص یک دسته‌ی خاصی از مؤمنین است و به ما ربطی ندارد - و یک عده‌ای را غافل کنیم و نتیجه‌اش این بشود که خیال کنند - با یک توهم معنویت - غرق در معنویتند و از واجبات و ضروریات دین در عمل غافل بمانند، درست نیست. در قرآن، بشارت مخصوص مؤمنین است؛ اما انذار برای همه است؛ مؤمن و کافر مورد انذارند. پیغمبر خدا گریه می‌کند،

هر یک از آن سه عنصر باید در تبلیغ ما نقش داشته باشد؛ هم صرف پرداختن به عاطفه و فراموش کردن جنبه‌ی منطق و عقل که در ماجرای حسین بن علی (علیه السلام) نهفته است، کوچک کردن حادثه است، هم فراموش کردن جنبه‌ی حماسه و عزت، ناقص کردن این حادثه‌ی عظیم و شکستن یک جواهر گرانبهاست؛ این مسأله را باید همه - روضه‌خوان، منبری و مداح - مراقب باشیم.

منطق

حماسه

عاطفه

منطق

حماسه

عاطفه

مرکز جزوه : تولید و توزیع جزوات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی

 Markazejzoveh.ir

 @Markazejzoveh

 50001333331388

فروش : دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، روپروی بانک کشاورزی، مرکز فرهنگی وارثین. همراه : ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴